

به اقتصاد صنعتی در ایران توجه نشده است

ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران-بخش پایانی

سرمایه، ۱۳۸۵/۴/۲۰

در این صورت چه نوع اقتصادی را به عنوان جایگزین پیشنهاد می‌کنید؟

همانطور که قبلاً اشاره کردم معمولاً ساختارها و مناسبات اقتصادی براساس آرمان‌های اقتصادی شکل می‌گیرند اما برای حرکت به سوی تحقق اهداف آرمانی باید از آنجایی که هستیم در شرایط موجود حرکت کنیم، لاجرم وضعیت کنونی اقتصاد سیاست، فرهنگ، روحیات فردی و اجتماعی، در تدوین این ساختارها اثر گذارند. نمی‌توان یک الگوی ذهنی از پیش ساخته یا تجربه شده در سایر کشورها را عیناً برای کشورمان تجویز کرد. می‌توان و باید از تجارت سایر ملت‌ها بیاموزیم اما نه این که یک عنوان، یا یک ترم سیاسی - اقتصادی انتخاب کنیم و به صورت یک اتیکت به کار بریم. ژاپن و ایران هر دو یک زمان با جهان جدید و توسعه آشنا شدند. اما در حالی که ایران هنوز اندر خم یک کوچه است ژاپن در صدر کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است. یکی از علل مهم موفقیت ژاپن تنظیم برنامه‌ها و ساختارهای اقتصادی براساس ویژگی‌های فرهنگی و الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی خودشان بوده است. برخی از کارشناسان و نظریه‌پردازان براساس اولویت‌های ایدئولوژیک بدون در نظر گرفتن روحیات، خلیات و ذهنیات خودمان موضع‌گیری کرده‌اند. مثلاً در حالی که هنوز روحیه کار و همکاری‌های جمعی میان ایرانیان ضعیف است، چگونه می‌توان امیدوار بود که «تعاونی‌های مردمی» شکل بگیرند و نهادینه شوند. بی‌دلیل نیست که بخش تعاونی اقتصاد ایران، نیز عملاً دولتی است.

تنها در سال‌های اخیر است که کارشناسان برجسته اقتصاد کشورمان به طرح این مسایل، بدون جزمیت‌های ایدئولوژیک پرداخته‌اند.

با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کنونی ایران به نظر می‌رسد سرمایه‌داری صنعتی که به اصطلاح بورژوازی ملی نامیده می‌شود، جایگزین مناسبی برای سرمایه‌داری تجاری مسلط کنونی در راستای برآورده ساختن منافع عمومی باشد و بستر لازم برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و همچنین کمک به توسعه سیاسی را فراهم سازد.

سرمایه‌داری صنعتی در کشور ما دارای چه جایگاهی است؟

متأسفانه، هنوز، سرمایه‌داری صنعتی در کشور ما هویت و قدرت مشخصی پیدا نکرده است.

فکر می‌کنید فقدان این هویت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

شاید مهم‌ترین دلیل آن درآمدهای سرشار نفتی است که در اختیار دولت است و حتی بخش خصوصی هم تمایل دارد از درآمدهای نفتی استفاده کند، منتها بخش تجارت به طور عمده از آن استفاده می‌کند.

آیا برای سرمایه‌داری تجاری نیز سهمی در اقتصاد سالم قایل هستید؟

جامعه‌ای که تولید ملی قوی داشته باشد، تاجر به عنوان واسط تولید و مصرف نقش مهمی دارد و هزینه‌ای هم برای توزیع این تولیدات، خواه این توزیع را دولت انجام بدهد و خواه بخش خصوصی به این بخش تعلق می‌گیرد. اما در یک اقتصاد سالم، درصدی که واسطه برای توزیع کالا می‌گیرد، متناسب با درآمد سایر بخش‌هاست. اما در کشوری که

سرانه تولید آن بسیار پایین است و بخش خصوصی در تولید ضعیف و ناتوان مانده است. سیطره سرمایه‌داری تجاری بر فعالیت‌های اقتصادی منجر به رانت‌خواری از یک طرف و واردات کالاهای مصرفی، در حجم بی‌سابقه‌ای می‌شود. سرمایه‌داری تجاری به اصطلاح وابسته به سرمایه‌داری خارجی می‌شود. سرمایه‌داری صنعتی، خود را رقیب سرمایه‌دار خارجی می‌بیند. به همین دلیل می‌گویند بورژوازی ملی، اما سرمایه‌دار تجاری، علاقه‌مند است که از درآمدهای بی‌حساب نفت سهم کلان خود را بگیرد و صرف واردات کند. از این منظر سلطه سرمایه‌داری تجاری بر اقتصاد ایران در شرایط کنونی بسیار زیان‌بار است.

فکر می‌کنید چه عاملی باعث شده است در سال‌های گذشته نسبت به سرمایه‌داری صنعتی که شما آن را بورژوازی ملی نامیدید، توجهی نشود؟

شاید مهم‌ترین دلیل این که کسانی که برای توسعه اقتصادی در ایران دل می‌سوزانند تاکنون توجهی به سرمایه‌داری صنعتی نکرده‌اند این باشد که به شدت تحت تاثیر جریان‌ات چپی که در ایران سابقه دارند، بوده‌اند. ما در نهضت آزادی به بورژوازی ملی اعتقاد داریم.

سرمایه‌داری صنعتی چگونه منافع آحاد جامعه را برآورده می‌کند؟

وقتی صنعتی به وجود می‌آید، در کنار خود، به ناچار، صنایع کوچک‌تری را هم ایجاد می‌کند. کما این‌که در کشور ما صنعت بزرگ خودروسازی دولتی وجود دارد که در کنار خود شرکت‌های کوچک، قسمت‌های مختلف خودرو را ساخته و نیازهای شرکت بزرگ خودروسازی را تامین می‌کنند. با رشد شرکت‌های بزرگ صنعتی در کشور، شرکت‌های کوچک نیز رشد خواهند کرد و طبیعتاً زمینه اشتغال برای آحاد جامعه فراهم می‌شود.

رشد سرمایه‌داری صنعتی، به خصوص بخش خصوصی، علاوه بر این‌که ایجاد اشتغال می‌کند وابستگی اقتصاد به نفت را کاهش می‌دهد، در تعاون مناسبات سیاسی - اقتصادی نیز تاثیرگذار است. یک مثال بزنم. در کشورهایی که سرمایه‌داری دولتی یا نهادها حاکم است، دولت به جای داور در اختلافات کارگر و کارفرما خود عامل سرکوب مطالبات کارگری است، در حالی که در تولید صنعتی متکی به بخش خصوصی، دولت یک ناظر یا داور بی‌طرف میان کارگران و کارفرمایان است، در حوادث اخیر و اعتصاب کارگران، نظیر شرکت واحد، به جای رسیدگی به مطالبات کارگران، کارفرما - یعنی دولت - به سرکوب کارگران پرداخت. شرکت‌های دولتی و یا وابسته به نهادها، که پس از انقلاب شکل گرفته‌اند و بخش قابل توجهی از تولید ناخالص ملی ایران را در اختیار دارند، عملاً کم‌ترین ترتیب اثری به سیاست‌ها، برنامه‌ها و مصوبات دولت نمی‌دهند. عمده مشکلات کارگری ایران هم با همین بخش است نه با بخش خصوصی ضعیف فعلی.

در میان صحبت‌های خود به استفاده، نادرست از درآمدهای نفتی اشاره کردید. شما با دیدگاه سرمایه‌داری صنعتی که به آن قایل هستید، معتقدید از درآمدهای نفتی چگونه باید استفاده کرد؟

از نظر اقتصادی، نفت درآمد نیست، بلکه سرمایه است. در یک اقتصاد سالم باید این سرمایه به سرمایه‌های دیگر تبدیل شود. درباره سرمایه نفت، یک نظر این است که حاصل فروش آن را بر سر سفره هر فرد ببریم و صرف نیازهای مصرفی کنیم درحالی که می‌توان نفت را تبدیل به کالاهای سرمایه‌ای کرد. قبل از انقلاب هم این‌گونه بود که از عواید فروش نفت سه نوع کالا وارد می‌شد؛ کالای سرمایه‌ای، کالای واسطه‌ای، کالای مصرفی. بیشترین هزینه هم صرف

کالاهای سرمایه‌ای می‌شد و ماشین‌آلات صنعتی خریداری می‌شد. در مرحله بعد، کالاهای واسطه‌ای که برای تولید نیاز بود خریداری می‌شد و در مرحله سوم نیز کالاهای مصرفی خریداری می‌شد، اما بعد از انقلاب بنا به دلایلی که به سیاست‌های دولت مربوط می‌شد، این روند، شکل معکوسی به خود گرفت، یعنی بیشترین سهم به خرید کالاهای مصرفی تعلق گرفت و خرید کالاهای سرمایه‌ای نیز به تدریج کم شد چرا که فعالیت کارخانجات یا کاهش پیدا کرد یا متوقف شد. بنابراین یک دولت ملی از درآمد نفت باید برای خرید کالاهای سرمایه‌ای استفاده کند و حتی برای این کار می‌تواند امتیاز هم بدهد. همان‌گونه که دولت آقای خاتمی این کار را به نوعی آغاز کرده بود. صندوق ذخیره ارزی وظیفه داشت از مازاد فروش نفت برای تقویت بخش خصوصی صنعت استفاده کند. به همین منظور در دوره آقای خاتمی برای اولین بار تسهیلات ارزی نسبتاً خوبی به اتحادیه بخش خصوصی داده شد تا به رشد سرمایه‌داری صنعتی کمک بشود، اما در مجموع، دولت باید نقش حاکمیتی خود را همواره داشته باشد، یعنی از یک سو به منظور حمایت از بخش خصوصی باید امکانات رشد صنایع را فراهم سازد و از سوی دیگر، با تعیین تعرفه‌های لازم برای کالاهای مصرفی، مالیات‌های مضاعفی را برای این نوع کالاها تعیین کند تا تولید ملی از این فرآیند سود ببرد، یعنی اگر با استفاده از درآمد نفت کالاهای سرمایه‌ای به کشور وارد می‌شود، کالاهای مصرفی اجازه نیابد به راحتی وارد کشور بشود و وضع تولیدات داخلی را به هم بزند.

شما دیدگاه‌های اقتصادی خود را نشأت گرفته از آموزه‌های عدالت‌محور اسلامی اعلام کردید. اگر در تعاملات اقتصادی با موردی برخورد کنید که انجام آن با آموزه‌های اسلامی مغایرت داشته باشد اما منافع اقتصادی برای کشور به همراه داشته باشد، انجام آن را توصیه می‌کنید یا خیر؟

دیدگاه‌های کلان اسلامی در موضوعات اقتصادی عمدتاً بیان ارزش‌ها یا آرمان‌هاست علی‌الاطلاق هر کجا تعارضی میان منافع فرد و منافع جامعه ایجاد شود، اولویت به منافع جمع تعلق می‌گیرد. به همین دلیل، بعد از انقلاب در مجلس اول وقتی مجلس قوانینی را وضع کرد که شورای نگهبان آن‌ها را خلاف احکام اولیه اسلام تلقی و رد کرد. رهبر فقید انقلاب تصویب آن را با دوسوم آرای نمایندگان بلاشکال دانسته این چه معنایی می‌دهد؟ تشخیص مصلحت، یعنی این سیستمی که اگر تعارضی میان مصالح ملی ما با احکام اولیه دینی که فقها می‌گویند به وجود آمد، مصلحت ملی ارجحیت پیدا می‌کند. رهبر فقید انقلاب گفت در آنجا احکام اولیه تعطیل و احکام ثانویه جایگزین آن‌ها می‌شود.

نهضت آزادی هم همین عقیده را دارد؟

بله نهضت آزادی هم معتقد است که منافع و مصالح ملی که توسط نمایندگان منتخب مردم تعیین می‌شود، باید، اصل و مبنا باشد.